

## بازخوانی حیات علمی علامه میر حامد حسین هندی کتاب

### «الدرر السنیة»

\* سید جواد موسوی

چکیده: میر حامد حسین هندی (۱۲۴۶ - ۱۳۰۶ ق) از دانشمندان شیعه قرن سیزدهم در هند است که کتاب «عقبات الانوار» او در اثبات امامت، جاوane است. وی مجموعه‌ای از نامه‌ها و نوشته‌های متفرقه خود را در کتاب «الدرر السنیة» گردآورده است. این کتاب که تاکنون چاپ نشده، گوشه‌ها و زاویه‌هایی از زندگی میر حامد حسین را بازمی‌گوید که تاکنون در جایی گفته نشده است.

کتاب یادشده در زمان حیات مؤلف توسط محمد جعفر ظهیری گرد آمده است. نگارنده در این مقاله، جنبه‌هایی از زندگی علمی و عملی میر حامد حسین را براساس آن کتاب بیان می‌دارد؛ از جمله: جمع‌آوری کتابهای نفیس، گردآوری کتابهای ضد شیعه و پاسخ‌گویی به آنها، گزارش سفر حج و عتبات عالیات در سال ۱۲۸۲ قمری، وصیت نامه اخلاقی، مشکلات و بیماریها.

---

\*. پژوهشگر، حوزه علمیه قم.

**مقدمه:**

نویسنده مقاله، نمونه‌ای از خطبه‌های میر حامد حسین را برای نشان دادن سجع در نگارش وی و نوشتاری در استغاثه به حضرت ولی عصر ارواحنا فداه را نیز آورده است.

**کلید واژه:** کنتوری، میر حامد حسین / عبقات الانوار (كتاب) / عالمان شیعه هند، قرن سیزدهم / مدافعان حریم امامت / الدرر السنیة (كتاب).

میر حامد حسین موسوی نیشابوری هندی (م ۱۳۰۶ ق / ۱۲۶۸ ش) مجاهد و علامه بزرگی است که کتاب عظیم «عقبات الانوار» را برای شناساندن مقام امامت و ارزش شخصیت انسانی در رابطه با پیروی از امام معصوم و بنیاد فلسفه سیاسی در اسلام و موضع متعالی و بر حق مذهب تشیع و... نوشته. در این نوشتار پیش از آنکه به نکات مهم نامه‌های او اشاره‌ای کنیم، ذکر شرح حال مختصری از این عالم بزرگ، در خور است.

علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی درباره میر حامد حسین هندی، چنین می‌نویسد: سید میر حامد حسین بن سید محمدقلی... موسوی نیشابوری هندی، از بزرگترین متكلمان و عظیم‌ترین عالمان مُتبَّح شیعه، در اوایل این سده. در لکنهو به سال ۱۲۴۶ ق / ۱۲۱۰ ش زاده شد. در همانجا نزد پدر خویش، جناب سید محمدقلی موسوی - که از عالمان بزرگ بود - درس خواند و تربیتی نیکو یافت و مبادی علوم و علم کلام و عقاید را از پدر فراگرفت. فقه و اصول را نزد سید حسین نقوی (از عالمان هند) بیاموخت. حکمت و معقول را نزد سید مرتضی بن سید محمد، و ادبیات را نزد مفتی سید محمد عباس تحصیل کرد. میر حامد حسین، عالمی پر تبع بود و پر اطلاع و محیط بر آثار و اخبار و میراث علمی اسلامی. او در این تبع و احاطه به مرتبه‌ای رسید که هیچ‌کس از معاصران او و متأخران، بلکه بسیاری از عالمان قرن پیش نیز به پایه او نرسیدند. همه عمر خویش را به بحث و

پژوهش در اسرار اعتقادات دینی و حراست اسلام و مرزبانی حوزه دین راستین بگذرانید.

علّامه تهرانی می افزاید:

من در سده های اخیر کسی را نمی شناسم که در این راه چونان او جهاد کرده و کوشیده باشد و همه چیز خویش را در راه استواری حقایق مسلم دینی از دست داده باشد. چشم روزگار، در سرتاسر آبادیها و اعصار، در پژوهش و تتبّع، در فراوانی اطلاع، در دقّ نظر و هوش، در حفظ و ضبط مطالب، کسی چون او را ندیده است. (ثُبَّاعُ الْبَشَرِ (از طبقات اعلام الشیعه) ج ۱، ص ۳۴۷ - ۳۵۰)

علّامه امینی نیز در عظمت او و ارزش کتاب «عقبات الانوار» در موارد متعدد سخنگفته است. از جمله، در جلد نخستین «الغدیر» در فصل «المُؤْلَفُونَ في حدِيثِ الغدیر»، عقبات الانوار را مطرح می کند می گوید:

میر حامد حسین، حدیث غدیر، اسناد آن، متواتر بودن آن و معنای آن را در دو جلد بزرگ، در ۱۰۸۰ صفحه، گرد آورده است. و این دو جلد، از مجموعه کتاب او «عقبات» است. (الغدیر، ج ۱، ص ۳۲۱)

مؤلف کتاب «ريحانة الادب» نیز درباره وی - زیر عنوان «صاحب عقبات الانوار» -

چنین نوشه است:

حجّة الإسلام والمسلمين، لسان الفقهاء والمجتهدين، ترجمان الحكماء والمتكلّمين، علامه العصر، میر حامد حسین موسوی هندی... علاوه بر فقاہت و دیگر علوم دینیه، در علم شریف حدیث و اخبار و آثار، معرفت و احوال رجال فریقین و علم کلام، خصوصاً در مبحث امامت، دارای مقامی عالی، و کثرت احاطه و تبعّر علمی او مُسَلَّمٌ يگانه و بیگانه و عرب و عجم و عامّه و خاصّه بوده، و در مدافعته از حوزه دیانت و بیضه شریعت اهتمام تمام داشته و تمامی ساعات و دقایق عمر شریفیش در تأثیفات دینی مصروف بوده و آنی فروگذاری نداشته، تا آنکه دست راست او از کثرت تحریر و کتابت عاطله شده، و در اواخر با دست چپ می نگاشته است. و از



مراجعه به کتاب «عقبات» او مکشوف می‌گردد که از صدر اسلام تا عصر وی، احدي در فن کلام، خصوصاً در باب امامت، بدان منوال و نمط تصنیفی نپرداخته. (ربیانة الادب، ج ۲، ص ۴۳۲ - ۴۳۳)

در اینجا باید یاد کنیم با اینکه کتاب «عقبات الانوار» شاهکار علمی شیعه در رشتۀ مناظرات و عقاید و امامت، در سده سیزدهم اسلامی است و مؤلف آن دارای جوانب گوناگون خدمات و تعهد می‌باشد، مع الأسف در زبان فارسی، کمتر نوشتاری درباره این عالم ربّانی و مجاهد اسلامی انتشار یافته است. لذا در این مقاله سعی بر آن بود که با بررسی گذراي نامه‌ها و مکاتبات وی - که بیان کننده مسائل و حوادث دوران زندگی، دردها و آلام، اهداف و آمال، همت و سعی خستگی ناپذیر او و... است - قدمی هرچند ناچیز در معرفی این عالم بزرگ و مرزبان متعهد و سلاله پاک پیامبر ﷺ برداشته باشیم. «و من الله التوفيق و عليه التکلان».

البته این مصلح دینی و مجاهد اجتماعی، آثار علمی و تأليفات بزرگ و کوچک دیگر نیز داشته است که شیخ آقا بزرگ به ذکر آن تأليفات نیز می‌پردازد.

این نگاه گذرا به نوشه‌ها و نامه‌های علامه میر حامد حسین هندی، براساس کتاب خطی وی به نام الدرر السنیّة می‌باشد. اصل این کتاب در کتابخانه جوادیه شهر بنارس هند بوده و فیلم آن در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی قم موجود است و تنها مأخذ مقاله، همین کتاب است.

مرحوم میر حامد حسین در کتاب الدرر السنیّة، مجموعه‌ای از نوشه‌های متفرقۀ خویش را گرد آورده که شامل مکاتبات شخصی با علمای معاصر خویش و تقریظهایش بر بعضی از کتابها و حاشیه‌ها و توضیحاتش درباره اشخاص و نویسنده‌گان کُتب موجود در دسترس وی و نیز قضایای شخصی و داستانهایی چند از قدیم الایام است.

علّت جمع آوری این نوشه‌ها، عمدهاً، بار ادبی آنهاست که در غالب آنها به چشم می‌خورد. در نظر بسیاری از علماء در قرون گذشته، مسجّع و موزون آوردن

نوشته‌های نثر، نوعی هنر ادبی و بدیع به شمار می‌رفت. بدین روی، می‌توان گفت که مرحوم میر حامد حسین در این نوشه‌ها ادبیات بدیعی به کار گرفته که برای اهل ذوق و ادب بسیار قابل توجه است؛ ولی برای کسانی که ذوق ادبی چندانی ندارند، این‌گونه مسجّع‌گویی و موزون‌سازی جملات، نوعی اغراق و بازی کردن با کلمات است که بار علمی چندانی ندارد؛ بلکه ممکن است به جهت لغو بودن در تشبیه و اغراق گفتن در صفت، نوعی دروغ جدی در حق کسانی که نویسنده در وصفشان قلم فرسوده است، به شمار آید.

### چند نکته

۱. چند برگ از وسطه‌های این کتاب افتاده و بعضی از مطالب ناقص مانده و یکی از برگها نیز پاره شده و قسمتی از آن افتاده است.
  ۲. بسیاری از نامه‌ها خطاب به آقای سید برکت علی از علمای شیعه آن زمان هند است. «ایشان از شاگردان سلطان العلماء بوده و در علم ریاضی و فقه، یگانه روزگار. در شهر لاہور سکونت داشت و خدمات دینی انجام می‌داد و در سال ۱۲۷۰ هـ وفات یافت.» (مطلع الانوار، سید مرتضی حسین صدر الافضل، ترجمه محمد هاشم، مشهد انتشارات آستان قدس رضوی چاپ اول، ۱۳۷۴ ش، ص ۱۴۳)
  ۳. این کتاب - که به گفته نویسنده اش شامل نوشه‌های دوران جوانی اوست - در حدود سال ۱۲۸۵ هـ / ۱۲۴۷ هـ تنظیم و نوشته شده است؛ چراکه بعضی از تاریخهای نگاشته شده در آن کتاب به سال ۱۲۷۸ و... تاریخ‌گذاری شده است. آنگاه شخصی به نام محمد جعفر بن محمد جواد بن محمد کاظم ظهیری ظاهراً در تاریخ ۱۷ ربیع الثانی ۱۲۹۶ هـ ق آن را رونویسی کرده است.
- و بعد فهذا جموع انيق و سفر رشيق سميه بالدرر السنئه. جمعت فيه ما  
كتبت في عنوان الشباب من المكاتيب التي بها كوس المؤدة بيني وبين  
الأحباب. (الدرر السنئه، ص ۴۱)

۴. در صفحاتی از کتاب، داستانهایی از مرحوم میر حامد حسین نقل می‌گردد که شاید در عنوان جوانی نوشته شده باشد و در ظاهر افسانه‌گونه‌اش، حکمت‌های نظر و اشارات دقیق برای اهل آن در بر دارد؛ همچون داستان جوان دارای همسر که به دختر پیرمردی سالم‌مند علاقه‌مند می‌گردد و با وجود شرایط سخت مطرح شده، جلای از وطن و همنشینی با فقر و تهیدستی را می‌پذیرد و سرانجام پس از سپری شدن مدت زمانی و به دست آوردن رضایت خاطر پیرمرد، توسط پیرمرد به در غاری آورده می‌شود که انتهای آن خانه‌های مجلل و امکانات رفاهی و گنجهای فراوان قرار دارد و کلید آنها در اختیار جوان قرار داده می‌شود تا هرگونه می‌خواهد بهره برداری نماید...

**فَأَعْطِيَ الشَّابِ [الشَّابَ] مَفَاتِيحَهَا وَقَالَ: هَذِهِ الْأُمُولُ وَالْمَسَاكِينُ وَالْأَسْبَابُ وَالْخَزَائِنُ يَتَعَلَّقُ بِكَ وَفِي اخْتِيَارِكَ، صَرْفُهَا كَيْفَ شَئْتُ وَأَنِّي شَئْتُ، فَأَنْتَ شَابٌ صَالِحٌ، أَثْرُ السَّعَادَةِ مِنْكَ لَا يَنْعَجُ وَعِلْمُ السُّيَادَةِ عَلَيْكَ وَاضْحَى؛ إِلَى عِبَادَةِ رَبِّكَ كَادِحٌ وَلِنَفْسِكَ نَاصِحٌ، وَاللَّهُ وَرَسُولُهُ لِأَمْثَالِكَ مَادِحٌ.**

(ص ۲۳۷ - ۲۳۸)

یا داستان تاجر جهان دیده و سرد و گرم روزگار چشیده که مرگ را بر خود نزدیک می‌بیند، لذا زبان نصیحت بر فرزندانش می‌گشاید؛ اما آنها به جای گوش فرا دادن، سخنان او را به تمسخر و خنده می‌گیرند که سرانجام داستان با حسرت و تأسف تاجر بر حال ایشان پایان می‌یابد. (همان، ص ۲۴۰)

به عنوان حُسن ختام این بخش، اشاره می‌کنم به اینکه آن مرحوم در یکی از یادداشت‌های خویش راجع به تحریم مُعالاَة (بالا بردن مهریه زنان) این جمله را آورده است که: لا يجوز تجاوز المهر من المهر السنة و هو خمس مأة درهم. (همان، ص ۲۹۳)

با توجه به اینکه دیه کامل انسان حدود ده هزار درهم محاسبه می‌شود، می‌توان گفت که مهر السنة حدود یک بیستم دیه انسان بوده است.

## جمع‌آوری نامه‌های ارسال شده و نوشه‌های پراکنده

نکته مهم در این مجموعه نوشته‌های میر حامد حسین، اهتمام ایشان به جمع‌آوری نامه‌ها و نوشه‌های متفرقه‌اش در زمان خود اوست که در آن زمان با نبود امکانات تکثیر چون کارین و فتوکپی و چاپ و فیلمبرداری و... (به جز رونویسی) مهم است. او قبل از تکثیر و نسخه‌برداری از نوشه‌های خود بیشتر به فکر محتوای نوشه خود بود که در پاکتی به سوی مخاطب می‌رفت یا در لابه‌لای کتابی برای آیندگان و خوانندگان می‌ماند و غالباً بیش از یک نسخه از نوشه‌های خود را نداشتند که آن هم غالباً از آفات دهر، مصون نمی‌ماند و از بین می‌رفت.

ایشان در راستای تحقق این امر، حتی به برخی از دوستان خود همچون سید علی حسن -که قبلاً نامه‌هایی ادبی از وی دریافت نموده بود - درخواست جمع‌آوری و حفظ آنها را می‌کند و علاقه خود را به امانت‌گیری آنها برای نسخه‌برداری و سپس استرداد آنها ابراز می‌نماید:

إِنِّي أَصُوبُ أَنْ أَجْعَبَ فِي مَجْمُوعٍ مَا يَحْرِي مِنَ الْمَكَاتِبَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الْعَبْدِ...  
فَأَعِرُّونَهَا حَتَّى أَسْتَنسِخَهَا ثُمَّ أَرْدِهَا عَلَيْكُمْ بِأَصْلِهَا، فَإِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ  
تَؤْدُّوا الْأَمَانَاتَ إِلَى أَهْلِهَا. (همان، ص ۱۰۳)

تقاضای فوق، نشان می‌دهد که تصمیم وی بر بازیابی و بازنویسی نوشه‌های شخصی و متفرقه خود که حاوی نکات ادبی و علمی بوده است، در بردهای از زندگی وی اتفاق افتاده و از اول چنین تصمیمی بر جمع‌آوری نداشته است؛ هرچند که بعد از آن، احتمال دو نسخه نمودن نوشه‌هایش بعید نمی‌نماید.

## جمع‌آوری کتابهای نفیس

مسئله مهم دیگر در این نوشه‌ها، اهتمام میر حامد حسین به تهیه کتابهای نفیس و نایاب خطی یا چاپی در حدود ۱۶۰ سال قبل است که چاپ کتاب به آسانی و گسترده‌گی زمان مان نبوده و ارتباطات و حمل و نقل نیز به این صورت قوی و آسان



نبوده است. بدین جهت، در بعضی از نامه‌ها از مخاطب خویش می‌خواهد که فهرست کتابهای خود را برای او بفرستد یا کتاب خاصی را برایش تهیه کند یا برای استنساخ مددی به او عاریه دهد. در اینجا قسمتی از مکاتبات ایشان را درباره تهیه کتب نفیسه می‌آورم.

و لا يخفى عليكم أئمّة متهالك على الاطّلاع و العثور على الكتب النفيسة  
القديمة التي هي من غنائم الدهور، لا سيما كتب الرجال و الحديث و السير؛  
فإنّها من محسّن الغرر و نفائس الدرر. فأطلب منكم فهرس خزانة كتبكم  
العالية الكثيرة... فلعلّه يكون فيها كتاب من الكتب المطلوبة للحquier  
فأستكتبه أو أبتغّي نقل بعض مقاماته... (همان، ص ۲۰۱)

أنا مشغوف برأوية كتاب العقد لابن عبد ربه الأندلسی، وهو في خزانة كتب  
جنابك القدسی. فلو أرسلته عليّ به سأرُدُّه... (همان، ص ۳)

از برخی نوشته‌ها به نکات جالبی دست می‌یابیم که اشاره دارد به اهمیّت فوق العاده‌ای که مرحوم میر حامد حسین برای جمع آوری کتب نفیس علمی و جلوگیری از افتادن آنها به دست مخالفین قائل بوده؛ به حدّی که حتّی با نداشتن توان مالی، کتابها را در بازار به قیمت بیشتری خریداری می‌نمود؛ به شرط تحويل پول آنها در روزهای آینده.

فإذاً الصحف في بعض الدكاكين و عنده هذه المجلّدات الثلاثة يريده بيعها  
على بعض معتقدي الثلاثة فدنوت منه وأخذت المجلّدات و قلت: أنا  
أشتريها... قلت: أنا أذهب الآن بالمجلّدات و تعال غداً في مسكنی، أعطيك  
قيمتها بما ترضى... (همان، ص ۵۵)

گاه نیز این مجاهد نستوه، از نبود توان مالی برای دست یافتن به این هدف مقدس، به شدت می‌نالد و اظهار تأسف و حسرت شدید می‌نماید که اینها همه

بيانگر غيرت ديني و همت والاي آن بزرگ مرد دارد.

... و ما سطر تم من حال الأسفار التي هي في معروض البيع، فقد اطّلعت

عليه، ولكن يصعب تيسير القيمة في هذه الحال. (همان، ص ۱۶۶)

در مجموع، نام برخى از کتابها که مرحوم میر حامد حسین درخواست تهیه یا چاپ یا سخن از استرداد آنها برای جمع آوری به میان می آورد، بدین شرح است:

۱. در صفحاتی از نامه‌های خود ماجراي خريد صندوقچه آهنین در بندر (احتمالاً بصره یا جده) را بازمی‌گويد که حاوی کتاب «شرح علامه العبری على منهج الأصول إلى علم الأصول البيضاوي» بوده است؛ اما سرور ایشان بیشتر می شود وقتی که در این کتاب، بیان صریح این عالم سنی، بر ساختگی بودن حدیث مرفوعه از پیامبر اکرم ﷺ (اقتدوا باللّذین أبی بکر و عمر) را مشاهده می کنند. (همان، ص ۱۶-۱۷)

۲. در صفحاتی دیگر، مطالبی در باب سرقت کتابهای ایشان در جریان آشوبی در شهر و رسیدن یکی از کتابها به نام «توضیح الدلائل على ترجیح الفضائل» به دست شخصی به نام آقا محمد علی، و درخواست استرداد آن به صاحبیں قلم آمده است. (همان، ص ۲۰ - ۲۱)

۳. در نامه‌ای دیگر، از متولّ شدن به عمّال حکومتی و صاحبان قدرت همچون نواب امین‌الدوله المعزول برای چاپ کتاب «تمام مطاعن الخالفة الأول» و همچنین به چاپ رساندن بسیاری از کتابهای دینی و وقف آنها بر مؤمنین توسط همین شخص، سخن به میان می آورد. (همان، ص ۴۳)

۴. در نوشته‌ای دیگر، از بعض افضل، درخواست می کند کتاب «الشرح الكبير» که به تازگی در کربلا و نجف، چاپ گردیده و همچنین کتاب «مجمع البحرين» و کتاب «قوانین» را برای وی خریداری نموده و بفرستند. (همان، ص ۴۴)

۵. او حتی گاهی از طرف اشخاصی همچون سید محمد تقی بن علامه سید

حسین، ملقب به ممتاز العلماء، به بعضی از بزرگان نامه نوشته و اطلاع خود بر سفر آنها بر مصر و همچنین دست یابی به برخی از کتابهای قدیمی نفیس و شروع به چاپ نمودن آنها را یادآور می‌شود. و سپس از تمایل خود به چاپ بعضی از این کتابها همچون «جمهرة النسب» کلبی، «أنساب الأشراف» مدائینی، «تاریخ الضیاء» مقدسی سخن می‌راند و در آخر فهرستی از کتابهای چاپ شده آنها را طلب می‌کند.

(همان، ص ۱۹۷ - ۱۹۸)

۶. در صفحاتی از کتاب، اشاره به این نکته مهم دارد که ایشان در راستای تحقیق این امر، تنها به مرزهای کشورهای اسلامی اکتفا نمی‌نمود. لذا وقتی بر چاپ تعدادی کتاب مهم مخصوصاً در علم رجال و تاریخ و سیره در کشور آلمان مطلع می‌شوند، در جستجوی یافتن فهرست این کتابها نیز بر می‌آیند. (همان، ص ۱۹۹)

فِي الْفُنُونِ الرَّئِيسَةِ لَا سِيمَ كِتَبُ الرِّجَالِ وَالتَّوَارِيخِ وَالسِّيرِ، فِإِنَّهَا مِنْ مَحَاسِنِ  
الْغَرِّ وَنَفَائِسِ الدَّرِرِ. وَقَدْ سَعَتْ أَنَّهُ قَدْ طَبَعَ فِي مَدِينَةِ جَرْمَنِ... فَأَبْتَغِي  
مِنْكُمْ أَنْ تَطْلُبُوا لِي فَهْرَسَ هَذِهِ الْأَسْفَارِ وَتَمَّنُوا عَلَيِّ بِإِرْسَالِهِ...

با توجه به زحمات شبانه‌روزی این عالم نستوه و صرف بخش اعظم عمر شریف خود در امر جمع‌آوری کتب علمی و نسخه‌نویسی آنها، زحمات او به صورت کتابخانه عظیمی به نام ناصریه با ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ جلد (به نقل از صحیفة المکتبة، شماره ۲، ص ۱۴) کتاب از نفایس مطبوعات و نوادر مخطوطات به بار نشست که نتیجه همت این عالم بزرگ و فرزند برومندش سید ناصر حسین است.

### جمع‌آوری کتب ضد شیعه و ردّ نویسی بر آنها

مسئله دیگر در این نامه‌ها و نوشه‌ها، سعی آن مرحوم بر جمع‌آوری کتابهای ضد شیعه و ردّ نویسی بر آنهاست که با توجه به کمبود امکانات و محدودیت‌های آن زمان، این اقدام از سوی عالمی شیعه و غریب در میان انبوھی از اهل سنت و مخالفین خود بسیار ستودنی است.

البته در سده چهاردهم، مسائل دیگری مطرح شد و دهها تأليف دیگر از ناحیه مخالفان پدید آمد. اینجا بود که عالمان شیعه شروع به پاسخگویی به اشکالات و شباهات جدید مخالفین شیعه کردند و بدین‌گونه آثار علمی عظیم شیعه همچون کتاب جهانی «الغدیر» و کتاب عظیم «الذریعة» پدید آمد. (میر حامد حسین، محمد رضا حکیمی، ص ۹۷) اما همه این عالمان خود را وام‌دار کارهای عظیم علمی میر حامد حسین در این عرصه مربزانی عقاید شیعه می‌دانند. صلابت و تعصّب زیاد وی در تبری از دشمنان اهل البیت علیهم السلام نیز از لابلای این نوشته‌ها کاملاً مشهود است. فعالیت‌های میر حامد حسین در این زمینه را به دو مرحله می‌توان تقسیم نمود.

#### الف - جمع‌آوری کتابهای موافقین از اهل سنت

هر صاحب عقل و منطق و آشنا به طریق مناظره می‌داند که قبل از پرداختن به پاسخ اشکالات باید بتوان دلائل و سخنانی از عالمان و بزرگان مورد اعتماد آنها شناخت و اقامه کرد تا خصم را قانع و دلیلش را نقض کرد. مرحوم علامه به این نکته، کاملاً توجه داشته و سعی و تلاش بسیار در تحقیق آن مبذول نموده‌اند. به عنوان نمونه به مواردی اشاره می‌کنیم:

##### ۱. در نامه‌ای چنین می‌نویسد:

دلم بسیار شیفته تحصیل کتابهای مناقب اهل بیت علیهم السلام است که توسط عالمان اهل سنت نوشته شده و این‌گونه به ذهنم خطوطر می‌کند که در شهر بغداد - که محل اجتماع اهل عناد و تجمع بزرگان مشهور آنهاست - در این موضوع کتابهای بسیار موجود باشد. اگر شما تلاش کنید و کمر همت بیندید و جناب شیخ عبدالحسین طهرانی را به تهیه این کتابها تحریک کنید، حتماً تعدادی از این کتابهای با ارزش را به دست خواهید آورد. من در این نامه، فهرستی از نوشته‌های اهل سنت در فضائل حضرت علی علیهم السلام را می‌نویسم تا عاملی برای تحقیق این درخواست و بردارنده موانع باشد. (الدرر

السنتیه، ص ۲۶)

۲. در نوشته‌ای دیگر پس از تحقیقی دقیق، نام کتاب «اتحاف الوری بأخبار أم القری» و نسبت آن به ابن جوزی را نادرست می‌شمارد و سپس با جملاتی عاشقانه، موضوع کتاب را می‌سازید که:

اما اصل موضوع این کتاب (اخبار مکه) که پاره جگر، تکه پوست، میوه دل و غایت مراد من است، بلکه بر من گرامی تراست از روح و نفسی که میان سینه‌ام جای دارد. نفسم در حال تلف شدن است از اینکه اثری از آن در شهرها و ساختمانها و منطقه‌ها نیافتم. لذا به دوستانم نوشتمن همت نموده یک نسخه از این کتاب را برای من تهیه کنند تا آن مقداری که چاپ شده. و این کتاب از اول است تا سرزنش نماز تراویح...

والأصل الموضوع من هذا الكتاب، الذي هو فلذة كبدى و بضعة جلدى و ثرة فؤادي و غاية مرادي، بل هو أعز على من روحي و نفسى... في تحصيل نسخة من هذا الكتاب بقدر ما طبع منه و هو من الأول إلى طعن التراویح  
من مطاعن عمر بن الخطاب. (همان، ص ۱۸۱)

۳. ایشان در راستای هدف اثبات امامت، در صدد اثبات این مطلب برمی‌آید که برخی مؤلفات مهم و مورد استناد شیعه تأثیف دانشمندان اهل سنت است؛ همچنان که در نوشته‌ای می‌خوانیم:

مصنف این کتاب «الإمامية والسياسة» عبدالله بن مسلم بن قتیبه، سنی موضوع و متعمد اهل سنت است. و اهل سنت کلمات و روایاتش را نقل می‌کنند.

وثقه و ثقته و عدالته منتشر فيما بينهم كانتشار النهر. (همان، ص ۲۵۹)

اما نهایت جواب آنها در مقابل روایات منقول در کتاب او، این است که منکر نسبت این کتاب به ابن قتیبه می‌گردند. اما آنچه این شک را برطرف می‌کند و داروی انسانهای مریض است و تشنجی آدم تشنه را برطرف می‌سازد، این است که ابن فهد مکی صاحب کتاب اتحاف ام القری - که شخص مورد اعتماد و وثوق نزد اهل سنت است - تصریح نموده به اینکه کتاب الامامة و السياسة تصنیف عبدالله بن قتیبه است.

## ب - رذنویسی بر کتب ضدشیعه و تلاش برای چاپ و نشر آنها

با توجه به سیره و عملکرد امیرمؤمنان و ائمه معصومین علیهم السلام یکی از مهم‌ترین وظایف عالمان آگاه و مسئولیت شناس شیعه - در عین بیان حقایق و دفاع از موضع حق - پرهیز از بیان اختلافات به صورتی زیان‌آور می‌باشد تا به جایگاه جهانی اسلام زیان نرسد و صنوف مسلمانان پراکنده نگردد. اما آن هنگام که فتنه‌های استعمار، موجب تفرقه و تشتت و اختلافات داخلی می‌گردد، این وظیفه عالمان مسئولیت شناس و تعهدگر است که به پا خیزند و با تأثیف کتابهای علمی و تحقیقی، به شکستن بتها بپردازند.

مرحوم میر حامد حسین در طول عمر خود به ادای این رسالت بزرگ پرداخته است. برخی از نوشهای اوی که در این باره، عبارت‌اند از:

۱. نامه‌ای مفصل که در آن گوید: آن را نوشتم در وقتی که باشدت محنتها رو برو شدم و از بعضی روندگان راههای غلط به بدکاری زمان شکایت کردم... من پس از اتمام علوم رسمی و مقدماتی، مشغول علم کلام و مناظره با مخالفان شدم و تلاشم را در نوشن کتابهای جالب و روشن متتمرکز نمودم؛ تا اینکه سه کتاب عظیم الشأن و عظيمة البرهان نوشتم:

الف - عبقات الأنوار في إمامية الأئمة الأطهار، در رد حرفهای نابجای صاحب تحفه اثنی عشریة.

ب - شوارق النصوص في تکذیب فضائل اللّصوص. من آنجا شرح دادم که فضیلتها بی که در مورد خلفاء آمده همه ساختگی است. البته در کتاب، نصهایی از بزرگان با شخصیت و بی‌نظیر آنها که در مسائل علمی بسیار دقیق‌اند نقل نمودم؛ و دلالتی آوردم که دانشمندان قوی آنها را قبول می‌کنند.

ج - استقصاء الإفحام في نقض منتهی الكلام.  
و این سه کتاب بحمد الله، ریشه شباهات بدکاران را کنده است.





صاحب «منتهی الكلام» وقتی دید که علمای شیعه از پاسخ دادن به او عاجز شده‌اند و خود را از نقد کتاب او کنار کشیده‌اند و با او روپرتو نشده‌اند و صورت‌های خود را از روپرتو شدن از او برگردانده‌اند، باد در غبّغ انداخت و با زبان گزنه‌بر اهل حق حمله ور شد.

فأعرضوا عن خطابه... و استكفووا [استنكفووا] لعلو أقدارهم عن مناظرته،  
سمح الناصب بأنفه و طمح بطرفه فشنع على أهل الحق بلسان سليط. (همان،

ص ۱۸۲)

در مجالس خود و در میان طرفدارانش می‌گفت: این اهل حق (شیعه) از اول تا آخرشان هیچ کدامشان نمی‌توانند کتاب مرا رد کنند. شیعه‌ها بیراهه می‌روند. طرفدارانش می‌گفتند: چرا بزرگان شما با این همه امکانات که دارید، با رفیق ما بحث نمی‌کنند و برای دفاع از مذهبتان دلیلی نمی‌آورند؟

با این حرفهای زیاد و کناره‌گیری بزرگان از مناظره، به جهت روشن نمودن اشتباهات او، خود به میدان آمد. و تصمیم بر اثبات بی‌پایه بودن دلالت آنها گرفتم.  
۲. ایشان در مقدمه کتاب شوارق النصوص فی تکذیب فضائل اللصوص این‌گونه می‌نویسنده:

... در زمان به دوران فقدان رسول اکرم نزدیک بود و عده زیادی بودند که می‌توانستند میان حق و باطل یکی را انتخاب کنند؛ لذا این انسانهای بدسرشت به بافت دروغهای آشکار و مجعلات زشت جرئت نکردندا تا در مورد وصی پیامبر به کار ببرند.

حتی بر تغییر مناقب زیبا و محمد با ارزش اهل بیت پیامبر و نسبت دادن آنها به دشمنان نیز جرئت نیافتند. اما پس از آن، بازار جعل حدیث رونق گرفت و همه مشغول تبدیل آثار شدند. حتی افراد به ظاهر متدين نیز وارد دروغهای بی‌پایه گردیدند و هیچ دانشمندی یافت نمی‌شد، مگر اینکه سرنگون شده بود در کارهای

فجور و نابود کننده. اینان هر فضیلت زیبایی را که برای علی علیہ السلام و اولاد او بود، تغییر دادند و آنها را به مخالفان ائمه و پیروان آنان نسبت دادند.

سپس به این مقدار نیز اکتفا نکردند؛ بلکه شروع به ساختن دروغهایی در مورد وصی و خاندان گرامی او نمودند که شخصیت آنها را پائین می‌آورد و با ایشان دشمنی ایجاد می‌کرد.

پس تصمیم گرفتم به نوشتمن آنچه دروغ بودن خیلی از روایات اهل سنت مربوط به برتری خلفاء و اصحاب پیامبر را ثابت می‌کرد. و من از اهل سنت مقدماتی صریح و دلائلی آوردم که تصریح به ساختگی بودن این روایات جعلی دارد. (همان، ص ۲۷۲) ۳. اصولاً علامه میر حامد حسین می‌کوشد با روشن نمودن فلسقه امامت، نشان دهد که خلافت، به انتخاب بشری نیست؛ بلکه به نصب و نصّ الاهی است. به همین سبب، ایشان در یادداشت کوچکی چهار تن بعد از رسول اکرم علیه السلام را با اشاره گفتار یا کردار خودشان مورد سؤال قرار می‌دهد تا فضائل هر یک شناخته شود.

۱. أَيْنَ الَّذِي جَدَلَ شَجَعَانَ الْأَبْطَالِ عَلَى الرِّمَالِ، وَبَيْنَ الْحَرَامِ مِنَ الْحَلَالِ بِأَحْسَنِ تَفْصِيلٍ وَإِجْمَالٍ، وَطَارَتْ سَخَاءُهُ وَشَجَاعَتْهُ فِي السَّهْلِ وَالْوَعْرِ وَقَلَّ الْجَمَالُ؟

۲. وَأَيْنَ الْقَائِلُ: كُلُّ النَّاسِ أَفْقَهُ مِنْهُ حَتَّى الْمُخْدِرَاتِ فِي الْجَمَالِ؟

۳. وَأَيْنَ الْمَدَاوِي بَعَاءُ الرِّجَالِ (عَلَى مَا نَقْلَ عَلَى حَاشِيَةِ الْجَلَالِ)؟

۴. وَأَيْنَ الْمُشْتَهِرُ بِحُبِّ الْوَسِيْمِ الْزَّالِ وَالْفَارِ مِنَ الْبَاحِ وَالْقَتَالِ؟

۵. وَأَيْنَ النَّصْلُ الْأَعْقَلُ الْمُتَصَرِّفُ بِالْبَاحِقِ فِي الْأَمْوَالِ؟ (همان، ص ۲۶۲)

۴. از بعضی نوشه‌ها (همچون مورد آتی) این‌گونه برمی‌آید که مرحوم میر حامد حسین با وجود مشکلات فراوان و تحمل زحمت زیاد، بر کتب ضد شیعه جوابیه می‌نوشتند؛ اما آن آثار به دلائلی همچون فقر مالی مردم یا تبلیغات سوء دشمنان، آن‌گونه که باید و شاید مورد استقبال مردم واقع نمی‌شد. اینجاست که می‌فهمیم وظیفه دیگر عالمان، دعوت به ترویج و نشر کتابهای دفاع از حریم تشیع می‌باشد.

همچنان که در صفحاتی می‌خوانیم:



من یک نسخهٔ چاپ شدهٔ کتاب را خدمت شما فرستادم. امیدوارم ترویج معالم دین بکنید؛ هم‌چنانکه علاقهٔ شما به ریشه‌کن کردن معاندین دین است. از شما می‌خواهم برای اینکه دل ناصبیها را به درد بیاوری و دلیل اقامه کنی، تعداد صد نسخهٔ یا افزون‌تر از این کتاب را بخری تا هم فایده‌رسانی کامل شود و هم هدیه بدهی به فقراء مؤمنین که نمی‌خرند؛ یا به علت شبیه‌افکنی دشمنان، و یا خالی بودن دستشان. همچنین از شما می‌خواهم صد نسخهٔ از کتاب را بخرید که این کتاب، دل دشمنان را به درد می‌آورد؛ هم‌چنانکه دستیابی به شواب زیادی خواهد بود. (همان، ص ۲۰۹-۲۱۰)

## سفر حجّ و عتبات عالیات

مرحوم میر حامد حسین طی نامه‌ای خطاب به یکی از دوستان خود به بیان خاطره سفر حجّ و عتبات که در سال ۱۲۸۲ ق بدانها مشرف شده، می‌پردازد. این مطالب جالب و خواندنی از صفحات ۹ تا ۱۷ این کتاب را در بر می‌گیرد که ما بخشایی از آن را بطور مختصر برای علاقه‌مندان برگزیده‌ایم.

### الف) سفر حج

پس از تحمل مشقت‌های فراوان و پیمودن راه طولانی و رسیدن به شهر مکه، آب و غذای آنجا با طبعم سازگار نبود؛ به طوری که بدنم نحیف و لاغر شد و بیماری من شدّت یافت و بر من آنقدر سخت گرفت که همچون انسانهای مارگزیده به خود می‌پیچیدم و سختی زیادی را تحمل می‌کردم. (همان، ص ۱۰)

### ب) سفر عتبات

پس از اتمام حج، برای رفتن به عراق و زیارت ائمه علیهم السلام از طریق دریا، به سمت بندر جده حرکت کردیم؛ اما با سوار شدن بر کشتی، در این سفر دریایی به مصیبت‌ها و بلاهایی بدتر از سفر خشکی دچار شدیم؛ از جمله آنکه:

۱. در کشتی مرا با وجود بیماری در اتاق تنگی قرار داده بودند که در مدت دو ماه

یا بیشتر که سوار بر کشتی بودیم، به علت بیماری نه روز از اتاق خود خارج می شدم و نه شب.

از سوی دیگر، گرما و بوی نامطبوع مرا اذیت می کرد تا حدی که به نهایت ناتوانی و تنگی نفس افتادم.

۲. صاحب کشتی مخالف مذهب حقه بود و در رفتار از بزرگان نادان خود پیروی می کرد. با اینکه ادعای سیاست داشت، اما جزء افراد همچ رعاع بود. در ابتدای سوار شدن، ظاهری خوب و خوش از خود نشان داد؛ اما پس از حرکت، شخصیت حقیقی او آشکار شد که رفتاری همچون انسانهای کینه تو ز با حجاج داشت و حتی از دادن آب و هیزم برای پخت غذا امتناع می ورزید. بسیار تندخو و خشن بود... عناد و سختگیری او زمانی بیشتر شد که نسبت به دزدی لباس و پول حجاج در کشتی بر او اعتراض شد. دیگر حتی آبی که به مسافران می داد، همچون آب دریا، تلخ بود که با نوشیدن آن امکان بیماری وجود داشت؛ خلاصه به نهایت درجه بدی رسید. فصار صاحب المركب وأتباعه مصدقی یزید! (همان، ص ۱۳)

۳. برخی از همسفران با اینکه عده‌ای از آنها حاجی بودند، اما رفتاری بسیار رشت داشتند؛ در گفت و گو رعایت ادب را نمی نمودند و با زبانهای تندشان یکدیگر را می گزیدند و هر ساعت در کشتی آشوب و جنجال برپا می کردند و در واقع، هیچ کس از اذیت و آزار آنها در امان نبودند. از شدت کثیفی و بوی بد لباسهایشان به انسان حالت تهوع دست می داد. آنها از تمیزی و نظافت بسیار به دور بودند و در نجاست و کثیفی فرو رفته بودند؛ متهمنکین في النجاست والقدارة. (همان، ص ۱۳)

۴. نوزیدن باد موافق که چه بس از روزهای متمادی کشتی بر روی آب را کد می ماند و یک درجه هم حرکت نمی کرد.

۵. فردی که دوست چندین ساله بنده بود و امید به کمک و یاری او در سفر داشتم، اخلاقش تغییر کرد و تمایل به تکبر و ناز نمودن و بداخلاقی یافت. اگر به چیزی امر

می کردم، آن را انجام نمی داد و اگر از چیزی بر حذر می داشتم، مرتکب آن می شد. در واقع، خوف الاهی از دلش خارج شده بود و دوستی و رفاقت چندین و چندساله با مرا به دست فراموشی سپرده بود؛ تا اینکه مخالفت و تندخوبی او زیاد شد و کارهایی مرتکب شد که هرگز انتظار نداشت. در بندر مسقط از کشتی پیاده شد و رفت به دنبال خواسته های پست نفسانی خودش و از راه به دور شد و به آدمهای گمراه اعتماد نمود و رفیق انسانهای بد شد. پس شهر مسقط، مسقط ارزشها ای او شدو افتخارات خود را از بین برد: **فضار المسلط مسقط اعتباره و منجس فخاره.** (همان، ص ۱۴)

مرحوم میر حامد حسین پس از بیان خاطرات سفر، نکاتی را یادآور می شوند:  
 ۱. قصدم از بیان این گرفتاریها، یادآوری لطف و عنایت خداوند متعال است بر این بندۀ حقیر که با وجود این مشکلات عدیده به زیارت ائمّه راه یافتم. خداوند بر من که سخت بیمار بودم، منّت گذاشت و پیمودن راههای سخت و حشتناک را آسان نمود و نگرانیهای بسیاری را از من برطرف ساخت؛ تا اینکه به مرحله‌ای از لطف رساند که هرچه بر گرفتاریها ایم اضافه می شد، شوق و علاقه‌ام بیشتر و ولعه زیادتر می گردید.

**کلّما لقيت مکروهاً، زدتْ شغفاً و نزوعاً. و كلّما صادفت فجيعة، كثرت شغفاً و ولوعاً.** (همان، ص ۱۴)

تا اینکه خداوند بزرگ‌ترین سعادت - یعنی زیارت عتبات عالیات - را نصیب من فرمود.

۲. بیان مشکلات سفر ننمودم مگر برای اینکه افرادی که در سلامت و عافیت به سر می برند، بر انجام آن جرئت پیدا کنند و پا گذاشتن در این راه و انجام کارهای سخت و شاق بر آنها آسان شود.

۳. امید است خداوند متعال، شدائند و سختیهای این سفر را وسیله آمرزش گاهان بندگان خود قرار دهد؛ هم چنانکه من چنین گمانی را به پروردگار خود دارم. فلعل اللہ تعالیٰ کفر عَنِّی بِهَذِهِ الشَّدَائِدِ مَعَاصِيَ الْمُوبِقَةِ وَ جَرَائِمِ الْمُخْلَقَةِ الَّتِي

انقلت ظهري و صارت أغللاً نحري... (همان، ص ۱۵)

سخن پایانی وی، ستایش و سپاس خداوند است به جهت نعمتها و توفيقهايش،  
و درخواست دعای خیر از زائر بارگاه ائمّه معصومین.

فالحمد لله الذي حباني ثبات القدم من هذه المضائق و وقني... لصير على  
هذه المزالق. (الدرر، ص ۱۶)

أنا ملتمس كلّ من تشرف بالزيارة أن يبالغ في الدعاء لهذا المعترف بالخطاء.

(همان، ص ۳۶)

### وصیت‌نامه

از نوشته‌های جالب در این مجموعه، رونوشت وصیتنامه الاهی و اخلاقی مرحوم میر حامد حسین در سفر حجّ به فرزندان و بازماندگان خویش است که بسیار جالب و خواندنی است. ایشان ابتدای آن را با اقرار و اعتراف به وحدانیت خداوند متعال، و نبوت و رسالت پیغمبر خاتم ﷺ و امامت ائمّه معصومین علیهم السلام شروع می‌کند؛ و از تمام فرزندان و خویشاوندان و دوستان خود دعای خیر می‌طلبد و می‌خواهد که از حقوقی که بر عهده او بوده و اداء ننموده است، درگذرند.

سپس فرزند خود سید حسین را طرف سخن قرار داده، دستورهای مهم و اساسی به او می‌دهند که می‌تواند نکات دقیق و لطائف طریفی برای عاشقان علم و معرفت و رهیقیان راه حقیقت به ارمغان داشته باشد.

۱. فرزندم، بر تو باد بر اینکه نماز و روزه و حجّ مرا دوباره اداء نمایی؛ زیرا اعمالی که انجام می‌دهم، امید ندارم درست باشد. اگر امکانش باشد که اینها را انجام بدھی، خوب است که در این کار اهتمام و تلاش بنمائی. اما نسبت به این درخواست احساس پشیمانی می‌نمایم. زیرا عملی را که بر خودم واجب بود، خوب رفتار ننمودم و حال وصیت می‌کنم به دیگری که هم برای خود و هم برای من آن را انجام دهد.

- ولکن أنا نادم من التوصية بذلك، حيث أنا لم أعمل لنفسي ما يلزمني وأوصي غيري بأن يعمل لنفسه و لنفسي و هذا عجب جدًا. (همان، ص ۳۸)
۲. بر تو باد به تلاش در تحصیل علوم دینی و معارف الاهی. برای این امر، اول یک کتاب در اصول دین بخوان و سپس کتابی در علم فقه از اول تا آخر مخصوصاً کتاب شرایع و شرح لمعه را. پس از فارغ شدن از آنها، کتابی مبسوط در علم فقه را مطالعه کن و همچنین از یک مجتهد زنده تقلید کن، ولو اینکه او جامع شرایط نباشد؛ زیرا اکثر علماء تقلید از مجتهد زنده را واجب می دانند.
۳. وصیت می کنم تو را به تلاش در تصحیح و نشر کتابهای پدرم (سید محمد قلی «قدس الله نفسه») که هر آنچه از خیر در دین و دنیا برای ما حاصل شده است، همگی از برکات اوست.
- فإن كُلَّ مَا حَصَلَ مِنْ خَيْرٍ فِي الدِّينِ وَ الدُّنْيَا فَهُوَ مِنْ بَرَكَاتِهِ وَ فِيْضِهِ.
- ص ۳۸
۴. بر تو باد به یادگرفتن علم تجوید. و در این امر کوتاهی نکن؛ زیرا صحّت نماز بستگی به این مسئله دارد. و بدان که مهم‌ترین چیزی که خداوند برای آن انسانها را آفرید، اشتغال به تکمیل علوم دینی است. پس انسان باید بیشترین توجه و مهم‌ترین روش و هدف اصلی او پرداختن به این علوم باشد.
- و ليعلم أَنَّ الْأَشْتَغَالَ [بـ] تَكْمِيلِ الْعِلُومِ الْدِينِيَّةِ أَهْمٌّ مَا خَلَقَ اللَّهُ لِهِ الْإِنْسَانَ؛  
فليکن ذلك أَكْبَرُ هُمَّهُ وَ أَعْزَزُ مَرَامِهِ وَ غَايَةُ مَقْصُودِهِ.
۵. بر تو باد به تلاش و کوشش در عبادت خداوند و ادای نماز با خضوع و خشوع و دستیابی به شرایط آن، و انجام تعقیبات ولو اینکه اندک باشد. البته در تحصیل این خشوع سعی بسیار باید نمود؛ زیرا آن روح نماز است؛ اگرچه من (به علت بیماریها و کسالتهای جسمی) به این امر عمل نکردم، بلکه مصدق این آیه شریفه «أتَأَمِرونَ النَّاسَ بِالْبَرِّ وَ تَنْسُونَ أَنفُسَكُمْ» (بقره (۲) / ۴۴) هستم؛ ولی اینها را گفتم، به این امید که



خداؤند، فرزندم را به این امور موفق سازد و اعمال صالح او سبب گردد که خداوند گناهان مرا نیز ببخشاید؛ همچنانکه در این مورد، احادیثی نیز داریم.

**فَإِنَّ الْأَعْمَالَ الصَّالِحةَ الَّتِي يَفْعُلُهَا الْأُوْلَادُ رَبُّهَا يَغْفِرُ لَهَا بِسَبِيلِهَا الْآباءِ.** (همان،

ص ۳۹

۶. بر تو باد به بزرگداشت مقام علماء و صلحاء و بر همنشینی و گفت و گوی با آنها میل و رغبت تام داشته باش. اگرچه به سبب نفس اماره و کم توجهی برخی به التزامات اخلاقی، اعمال سبکی از ایشان خواهی دید. اما به این امور (جهت فاصله گرفتن از بزرگان) اهمیت نده که این مطلب، از وسوسه‌های شیطان است. اما تا می‌توانی، از همنشینی با افراد فاسق و فاجر دوری کن که سمی کشند است.

**وَلِيَبَالِغُ فِي تَعْظِيمِ الْعُلَمَاءِ وَالصَّلَحَاءِ وَتَوْقِيرِهِمْ وَلِيَرْغِبُ كُلُّ الرَّغْبَةِ فِي  
مَجَالِسِهِمْ وَمَخَالِطَتِهِمْ... وَلِيَحْتَرِزْ كُلُّ الْاحْتَرَازِ مِنْ صَحْبَةِ أَهْلِ الْفَسْقِ وَ  
الْفَجُورِ، فَإِنَّهُ سَمٌ قاتِلٌ.** (ص ۳۹)

۷. به شدت پرهیز کن از مخالفت نمودن با مادرت. زیرا این عمل از بزرگترین گناهان است و اثر بد آن در این دنیا ظاهر می‌شود تا چه رسد به آخرت.  
ولی جتنب کل الاجتناب من مخالفة والدته، فإِنَّ ذَلِكَ مِنْ أَعْظَمِ الْمُعَاصِي وَ  
يُظْهِرُ أَثْرَ شَامَتِهِ فِي الدُّنْيَا، فضلاً عَنِ الْآخِرَةِ. (ص ۳۹)

۸. من تجربه کرده و خود دیده‌ام عملی که بر خلاف رضایت پدر و مادر انجام پذیرد، در آن هیچ برکتی نیست.

وَقَدْ جَرَّبْتُ ذَلِكَ وَرَأَيْتُ أَنَّ الْفَعْلَ الَّذِي وَقَعَ مُخَالَفَةً لِرَضَاءِ الْأَبْوَيْنِ، لَا يَكُونُ  
فِيهِ بَرَكَةٌ أَبَدًا وَلَا يَصِيرُ إِلَّا وَبِالَاً وَنَكَالًا وَمُورَثًا لِلْهَمُومِ وَالْغُمُومِ. (ص ۳۹)

۹. فرزندم، اگر بر تو بیماری سختی عارض شد، در معالجه آن کوتاهی نکن؛ بلکه به درمان اساسی و کنندن ریشه آن اقدام کن. زیرا برخی سهل انگاریها، ضررها بزرگی را به دنبال دارد که جبران آن ممکن نیست.



## نمونه نشر و حکمت

و إن عرض لك مرض فلا تتهاون به بل بادر إلى علاجه و قطعة؛ فإن الإهمال في ذلك ربما أثر ضرراً عظيماً لا يمكن تداركه. (ص ٤٠)

مرحوم علامه مير حامد حسين، جملات مسجع موزون بسياری دارد. در بخشی به معرفی دنیا پرداخته و فرموده است:

الدنيا دار غرور، و محلّة زور، و مكان فجور، و بلد ختور، و خطّة عُثور؛  
ساكنها مخدوع، طالبها منوع؛ مواصلوها مهجور، و موادِعها مغدور؛ كثيرون  
العذرات، غَزِيرُ العبرات؛ ما من فرحة إلا تعقيبها غصة و شرقه، و ما من  
راحة إلا تخلفها آفة و حرقة، فرُحُها ممزوج بالهم، و سورها مخلوط بالغم؛  
خيرها زَهيد و شرّها عَتيد؛ و كثيرها قليل و عزيزها ذليل؛ كثيرها صغير و  
عظيمها حقير؛ خيرها شرّ و أنها ضرّ؛ موجودها مفقود و مطمئنها منجود؛  
ساملها مريض و صحيحها ضيق؛ رحيمها درن و سهلها مزن؛ و معتمدها  
موقود و مستندها متبود؛ سور و شرور و حبور و حسور؛ لذات قليله  
وراءها تبعاث طولية؛ منافع عقباها مضار مسار آخرها مغار؛... إلّفها جلف  
و وعدها خلف؛ و بنائها هدم و دون الوصول إلى أقصاها إرم؛ فوزها ندم و  
ظفرها سدام؛ نسيمها صفح لافع و سكرها طافع؛ و صديقها كاشح و  
ناصحها قادح و نعيمها فادح و عشيقها غير واصل و رفيقها على غير طائل.

(همان، ص ٢٦٤ - ٢٦٥)

## گرفتاریها و بیماریها

مسئله مهم و قابل توجه دیگر در نامه‌ها و نوشته‌های علامه میر حامد حسين، گرفتاریها و بیماریهای متعدد و مزمن وی در سفر و حضر است. این نکته، از طرفی حدیث «البلاء للولاء» را تداعی می‌کند و از دگر سوی، حجت را بر کسانی تمام

می‌کند که مدعی دفاع از حریم حق هستند، ولی از کمبود بعضی از امکانات و رفاهیات گلایه‌مند به خالق و خلق‌اند. دفاع میر حامد حسین از تشیع در آن شرایط سخت کجا و دفاع ما از این مذهب در این شرایط سهل کجا؟!  
مشکلات و ناراحتیهای وی که از نوشه‌ها به دست می‌آید، عبارت‌اند از:

### ۱. ناامنی و شورش

ظاهراً هرچند گاهی، اموال و زمینهای مردم آن منطقه مورد حمله و غارت انسانهای بی‌سروپا واقع می‌شد که در نتیجه آن، تعدادی از مردم اسیر می‌شدند و برخی نیز از ترس می‌گریختند و خود را مخفی می‌ساختند.

فقد شنَّ الغارة علينا أهل الانتهاب و قبض على مكانتنا... أنا هاربٌ مختفٍ

مستترٌ من الخوف والروع الشديد. (همان، ص ۱۵۶)

در جریان این آشوبها و غارت‌ها، اموری که بیشتر سبب ناراحتی و تأسف شدید مرحوم میر حامد حسین می‌شدند، چنین‌اند:

#### الف) غارت کتابها

با توجه به اینکه ایشان در ترویج و تکثیر کتابهای دینی تلاش بسیار داشت و عمر خویش را صرف این امور می‌نمود، از نوشه‌های وی به خوبی شدت تأسف و اندوه برای از دادن گنجینه‌های کتابهای گرانبهای او روشن می‌شود.

مرا گرفتاریهای نابهنه‌گام در هم شکست و بر من گردبادها وزید و دردهای کمرشکن مرا فراگرفت؛ حمله‌ای بعد از حمله‌ای. مرا غارت کردند و از من همه چیز را گرفتند، یکبار بعد از بار دیگر؛ تا اینکه بسیاری از کتابهای گرانبهای و نسخه‌های اصل مرا به غارت برندند؛ کتابهای مهمی که با زحمت دست و عرق پیشانی و دادن مال زیاد به دست آورده بودم.

غارة بعد غارة، و نهبوني و سلبوني تارة بعد تارة، حق نهبووا كثيراً من  
أسفاري النفيسه و كتبى الرئيسيه التي أحرزتها بكم اليدين و عرق الجبين و



### إتفاق المال الكثير... (همان، ص ۱۸۵)

#### ب) تنگی معاش و اضطراب شدید

در ظهر این گرفتاری تیره‌ای که در شهرها شیوع یافته و گلوگیر مردم شده؛ من [نیز] از نظر معاش به زحمت افتادم، از زندگی سلب شدم، مکلاود المعاش، مسلوب الرياش. (همان، ص ۱۸۵)

در خانه به زحمت افتادم، تلاش و صبر را از دست دادم، دیگر آرامش و قرار ندارم، سینه‌ام تنگ شده، راه به جایی نمی‌یابم... پاهایم در هم پیچیده و نزدیک است که بمیرم.

#### و أغصّني الشرق... و التفت الساق بالساقي.

چشیدن بر من تلخ شده، راه رفتن بر من سخت شده، غم زیاد گشته و گوارایی از میان رفته. کمبود و قحطی به حالت خشکی رسیده و اجدب الخصیب. نمی‌دانم بیرون بیایم یا خود را بگیرم و در خانه بمانم. دیگر از پا افتاده‌ام، گرفتارم، غارت زده‌ام، در این کارهای سخت مشوش شدم، و به دردهای شدید گرفتار شدم، دردهای سخت را می‌بینم، مانند نوسان آونگ، من هم در چرخش دور مضطرب می‌شوم.

لا أدرى أحشر أم أذب منجودٌ مكروبٌ منهوبٌ مسلوبٌ، فتشوشت على الأمور الشديدة و قاسية الآلام الشديدة... و اضطررت اضطراب

#### الأرشية في الطوي البعيدة. (الدرر، ص ۱۸۵)

#### ج) عدم امكان دفاع از حریم ائمه

در ادامه بیان سابق می‌افزاید:

این ناراحتی و درد من بر دنیا نیست... بلکه متأسفم از اینکه نمی‌توانم از ائمه معصومین علیهم السلام دفاع کنم و از کوتاهی حمایت از ائمه معصومین علیهم السلام می‌ترسم. هم‌چنانکه می‌ترسم این ناراحتیها به من امکان اشتغال به تصنیف کتاب و ترویج دین را ندهد و این کار مهم و با طراوت من مانند آن‌گیاهی باشد که شکوفا می‌شود و

سپس پژمرده می‌گردد.

إِنَّا أَتَأْسُفُ عَلَىٰ مَا أَخَافُ مِنَ التَّوْطُّلِ عَنِ الانتصَارِ وَالذَّبِّ عَنِ ذَمَارِ الْأَمَّةِ

الأطهار... (ص ۱۸۶)



ایشان در نوشته‌ای دیگر، ناراحتی و نگرانی خود را این‌گونه بیان می‌کند: وقتی که می‌بینم امکان ندارد مشغول شدن به چیزی که قبلاً به صورت شبانه روزی به آن مشغول بودیم... پس فایده‌ای در این زندگی نیست؛ پس زندگی پس از این بی‌شمر و محرومیت، دشوارترین پرتگاههاست. و إِنِّي لَا أَرِيْ أَنَّهُ إِذَا لَمْ يَكُنْ لَنَا الْاشْتِغَالُ بِمَا كَانَ نَشْتَغِلُ بِهِ لَيْلًا وَنَهَارًا... فَلَا خَيْرٌ فِي الْحَيَاةِ بَعْدِ ذَلِكَ، فَإِنَّ الْحَيَاةَ مَعَ ذَلِكَ الْحَرْمَانُ أَفْظَعُ الْمَهَالِكِ. (همان،

ص ۱۵۵)

## ۲. شکایت از افتراءات

در نامه‌ای به مخاطب خود چنین می‌گوید:

اگر به ما ضرر و اذیتی بررسد، پس ما گناهکار نیستیم؛ بلکه ان شاء الله به خاطر این گرفتاریها و اذیتها، خداوند در روز قیامت اجری به حساب ما می‌نویسد؛ چون ما کسی از آنها را نکشته‌ایم و مالی هم از آنها نبرده‌ایم. ما گناه و جنایتی نداریم؛ بلکه همه گرفتاریها و اذیتها به خاطر افتراء سخن چینان است. لم نقتل رجالاً منهم ولم نأخذ مالاً من أموالهم ليس لنا إثم و جنایة بل كان كل ذلك بافتراء أهل السعاية. (همان، ص ۱۵۰)

## ۳. شکایت از پاره‌ای از طالبان علم و تصنیع برخی علماء

در این مورد، سخن این‌گونه آغاز می‌کنند که:

ای برادر، زمان فاسد شده و احوال دوستان نزدیک تغییر کرده است. ارزش و جایگاه علم و طرفداران آن پایین آمده (سقوط کرده)، فرهنگ علم و علم آموزی کهنه شده. این درد و حزن بس که شرایع دین تعطیل شده است و صاحبان خرد در میان مردم ارزشی ندارند و در نزد پادشاهان کسی از این

مردم بجهود مند نمی‌شود؛ مگر اینکه با آنها درآمیزد و شروع به خودنمایی کند.

يا أخي قد فسد الزمان و تغيرت أحوال الخالان... و اخطّ مرتبة الصلم  
أصحابه و اندرست مراسمه بين طلابه... كفى حزناً أن الشرائع عطلت...  
إن ملوك الأرض لم يخطّ عندهم من الناس إلّا من يغنى و يصنع. (ص ۱۵۰)

#### ۴. بیماری جسمی

مرحوم میر حامد حسین در یکی از نامه‌هایش، به طبیب حاذقی که به شهری در هند آمده بود، می‌نویسد:

و إِنِّي قد دهاني المرض الوبيـل العـسـير العـلاـج الـذـي تـركـني حـلـيف الـانـزعـاج و  
الـاخـلاـج و هو صـدـاع الرـأس المـورـث لـاختـلال الـحوـائـن. (همان، ص ۲۰۰)  
این بیماری، ظاهراً همان سردرد معروف به میگرن بوده است که آن فقید را آزار می‌داده است. ایشان در نوشته‌ای دیگر، از اموری به درگاه خداوند شکایت می‌کند، از جمله ضعف زیاد و شدت یافتن بیماری.

فأشكوا إلـيـك اللـهـم مـن قـلـة حـيلـي و كـثـرة ضـعـيـ و شـدـة مـرـضـي... (ص ۱۹۵)

استغاثه به حضرت ولی عصر عجل الله تعالى فرجه  
به عنوان حُسن ختام این گفتار، نوشته‌ای از آن عالم مجاهد را برگزیدیم که در استغاثه به حضرت ولی عصر(عج) بیان فرموده‌اند. این نوشтар، علاوه بر روشن‌تر شدن درخواستها و نگرانیها از شدت علاقه و توجه وی به ساحت مقدس آن امام همام حکایت می‌کند. و می‌تواند استغاثه ما به آن حضرت نیز باشد.

...أعـطـني إـيمـانـاً و مـغـفـرة لـجـمـيع ذـنـوبـي و سـتـر عـيـوبـي و توـفيـقاً لـأـداء الـوـاجـبات  
و اجـتـنـاب الـمـحـرـمات و وـفـاقـي عـلـى الإـعـيـان و مـحبـة أـهـل الـبـيـت عـلـى الـلـهـ و تـسـهـيل  
مـصـاعـب الـبـرـزـخ عـلـيـ و عـدـم حاجـتـي إـلـى أحدـ مـن الـخـلـق... و شـفـائـي مـن جـمـيع

الأمراض البدنية و النفسانية... و توسيع رزق من الحلال... و مغفرة حامد  
حسين و إعطاؤه إيماناً كاملاً و يقيناً صادقاً و انقطاعاً من الدنيا و توجّهاً  
كاملاً إلى الله... و تكميل علومه و تيسير ما يمتّاه من الكتب و الاشتغال  
بالأشغال الحسنة و جمعه بن حبّ اجتماعه من العبد الذليل إلى المولى الجليل  
مولانا صاحب الزمان علیه السلام.

### نتیجه سخن

به یقین، اطّلاع از احوال این‌گونه عالمن و چگونگی کار و اخلاص آنان و  
کوشش‌های بیکرانی که در راه خدمتهاي مقدس و بزرگ کرده‌اند، می‌تواند عاملی  
تریت کننده و سازنده باشد.

به ویژه طلاب جوان که مرزبانان حماسه اسلام‌اند به این بزرگمردان اقتداکنند و  
احوال آنان را بخوانند و سرمشق خویش قرار دهند و خود را همان‌گونه تربیت کنند.  
ایمان، اخلاص، پشتکار، زهد، تقوا، گذشت، دقت، حوصله و با جدیّت و کوشش،  
این همه را در خویشن پدید آوردنند.

چه بسیارند عالمنی که از همه لحظات عمر استفاده می‌کرده‌اند و با چشم پوشی  
از همه خواستها ولذتها، دست به ادای رسالت خویش می‌زده‌اند. درباره میر حامد  
حسین هندی - رحمة الله عليه - نوشه‌اند که از بس کارکرد، دست راستش از کار  
افتاد.<sup>۱</sup>

باشد که این تعهد شناسی و اقدام‌های علمی و مرزبانی‌های دینی و صرف  
نیروهای بدنی در راه آرمانهای بلند، سرمشق و مقتدائی جوانان جامعه علوی واقع  
گردد.

۱. با اقتباس از کلام استاد محمد رضا حکیمی در کتاب میر حامد حسین، چاپ دفتر تبلیغات اسلامی قم  
۱۳۶۲ ش، ص ۱۱۸.